

بزرگی کسب کرده‌ایم. به همین دلیل می‌توان گفت که ما بسیار موفق بوده‌ایم و نیز کسانی را می‌یابیم که از دیگر گروه‌های سیاسی از حقوق بشر دفاع می‌کنند، این مسئله سبب پافشاری در اعمال برنامه حقوق بشر می‌شود که دیگر آن برنامه کاری صرف لیبرال نیست. در این پروژه حقوق بشر، همگان سهیم می‌شوند. لیبرال‌ها در تاریخ معاصر اغلب در پشت اعلامیه‌های بین‌المللی حقوق بشر هستند و آنان در گسترش کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد حقوق سیاسی و مدنی و نیز درباره حقوق اقتصادی و اجتماعی فعالند. ما می‌توانیم در سرتاسر دنیا لیبرال‌هایی را در میان دولت‌ها بیابیم که کاملاً فرهنگ حقوقی را در کشورهایی که حاکمند، به صورت وسیع گسترش می‌دهند. لیبرال‌ها ضرورتاً به بحث‌های بیشتری درباره اینکه چگونه حقوق بشر را تعریف کنیم، نیاز دارند. ممکن است در بعد مبارزه برای حقوق اساسی بشر دست به ریسک بزنیم. اگر دامنه تعریف‌مان را از حقوق بشر بسط دهیم، سبب خواهد شد حمایت کسانی که با هم هستند را جلب کنیم. اگر امروز به جهان، نظری بیفکنید، خواهید دید که در دموکراسی‌های پیشرفته، فرهنگ حقوقی بنیان درستی دارد و درباره حقوق جدید بحث‌هایی رواج یافته است.

گزارشگر: حسن کتلو

وحی از دیدگاه شهید مطهری (۱) و (۲)

گفت‌وگو با: علی ربانی گلپایگانی

ایران، ش ۲۳۳۲ و ۲۳۳۵ و ۲۰۲۱/۷/۱۳۸۸

در این گفت‌وگو آقای ربانی به تبیین و تشریح وحی از دیدگاه شهید مطهری رحمته‌الله‌علیه اشاره دارند. ایشان در رابطه با کنه وحی از دیدگاه شهید مطهری رحمته‌الله‌علیه می‌گویند: از نگاه استاد مطهری شناخت حقیقت و کنه وحی و نبوت برای غیر پیامبران الهی و کسانی که در رتبه کمال وجودی آنان قرار ندارند ممکن نیست، بدین جهت برای شناخت ویژگی‌ها و نشانه‌های وحی و نبوت باید به اولیای وحی رجوع کرد و در این باره از زبان آنان شنید. در واقع باید گفت پس از آشنایی با ویژگی‌ها و نشانه‌های وحی و نبوت از زبان اولیای وحی (قرآن و احادیث معصومان) می‌توان از تفکر عقلی و داده‌های علمی نیز در این باره بهره گرفت. اما باید توجه داشت که داده‌های علمی و عقلی درباره وحی، فرضیه‌ای بیش در اختیار انسان قرار نخواهد داد که تا حدی می‌تواند راهگشای انسان در فهم پدیده وحی باشد.

راه دیگری که استاد مطهری رحمته‌الله‌علیه برای شناخت وحی و نبوت معرفی کرده است، مطالعه و تحقیق درباره دیگر موارد وحی الهی، مانند رؤیاهای صادق است، که اگر چه نمی‌تواند ما را با حقیقت وحی مخصوص پیامبران آشنا کند، ولی تا حدی می‌تواند راهگشا باشد.

وحی حالتی است مخصوص پیامبران که قطعاً ما به کنه آن پی نمی‌بریم، ولی چون قرآن وحی رابه اشیا دیگر عمومی داد، شاید به تناسب انواعی از وحی که می‌شناسیم، بتوانیم تا

اندازه‌ای آن وحی‌ای را که با آن از نزدیک آشنایی نداریم که وحی به نبی است، توجیه کنیم. از نظر شهید مطهری رحمته‌الله وحی از نگاه قرآن «خاصیتی از وجود» است؛ زیرا در جمادات نیز به کار رفته است «وَ اَوْحٰی فِی کُلِّ سَمَآءٍ اَمْرَهَا» و نیز «یَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ اَخْبَارَهَا» بِاَنَّ رَبَّکَ اَوْحٰی لَهَا» شهید مطهری رحمته‌الله در ادامه یادآور شده است که وحی نوعی هدایت الاهی است که در همه موجودات وجود دارد، هر چند درجات آن به تناسب درجات کمال موجودات متفاوت است و حد اعلای آن هدایت مخصوص پیامبران الاهی است.

وی در ادامه به بیان ویژگی‌ها و نشانه‌های وحی از دیدگاه شهید مطهری رحمته‌الله می‌پردازد و یادآور می‌شوند که از نظرگاه استاد مطهری رحمته‌الله وحی آن گونه که از آیات قرآن و روایات به دست می‌آید چهار ویژگی و نشانه دارد: اولین ویژگی وحی «درونی بودن» آن است. دومین ویژگی وحی و نبوت بحث «معلم نداشتن» نبی است. سومین ویژگی وحی منشأ بیرونی آن است که شهید مطهری رحمته‌الله از این ویژگی با واژه «استعار» یاد کرده است. و چهارمین ویژگی وحی مربوط به فرشته وحی است.

ایشان در بخش دیگری از مقاله به تبیین فلسفه وحی از دیدگاه شهید مطهری رحمته‌الله اشاره دارند و بیان می‌کنند که استاد مطهری رحمته‌الله تبیین فلسفی وحی را آن گونه که حکمای اسلامی بیان کرده‌اند یک فرضیه دانسته و گفته است حقیقت وحی که به انبیاء علیهم‌السلام اختصاص دارد، برای دیگران، آن هم از طریق تحلیل عقلی، قابل فهم نخواهد بود. با این بیان، به اعتقاد علامه مطهری رحمته‌الله تبیین فلاسفه اسلامی از وحی و نبوت بهترین فرضیه در این باره است. مقصود از بهترین فرضیه بودن فرضیه حکمای اسلامی در تبیین وحی، بهترین فرضیه از میان فرضیه‌های موجود است، نه فرضیه‌های ممکن؛ زیرا این فرضیه کاستی‌هایی دارد که با توجه به آنها نمی‌توان آن را بهترین فرضیه ممکن شناخت، که خودم هم به آن نقد دارم.

معرفت‌شناسی داده‌های وحیانی از مهم‌ترین دغدغه‌های فیلسوفان بوده است، فیلسوفان دین غربی، داده‌های وحیانی را به تجربه‌های دینی فرو کاسته‌اند و فیلسوفان و متکلمان مسلمان تبیین متفاوتی از فیلسوفان غربی ارائه داده‌اند، اشاره شد که شهید مطهری رحمته‌الله از میان فرضیه‌های موجود در مورد چیستی وحی، فرضیه حکمای اسلامی را به عنوان بهترین فرضیه پذیرفته است، بدین دلیل که در فرضیه حکمای اسلامی، شاخص‌های وحی که از قرآن و روایات به دست می‌آید رعایت شده است، در این تبیین جنبه درونی و هم چنین جنبه بیرونی و الاهی بودن آن، مورد غفلت واقع نشده است، یا در عین حال دارای کاستی‌ها و نارسایی‌ها است که عبارتند از:

تبیین فلسفی وحی، تنها وحی الاهی به پیامبران به واسطه فرشته وحی را تبیین می‌کند، در حالی که مواردی از وحی الاهی به پیامبران بدون واسطه بوده است. دومین نارسایی تبیین فلسفی وحی این است که تبیین فلسفی وحی با مفاد آیات و روایات درباره تمثیل بشری فرشته وحی بر پیامبران سازگاری ندارد، زیرا مفاد آیات و روایات این است که تمثیل بشری

فرشته وحی تنها در دستگاه ادراکی پیامبر رخ نمی‌دهد، بلکه ما به ازای خارجی در عالم طبیعت دارد. سومین نارسایی تبیین فلاسفه این است که تأکید بر جنبه باطنی وحی و انکار نقش حواس ظاهری پیامبر در تلقی وحی به طور مطلق پذیرفته نیست؛ زیرا از آیات و روایات به دست می‌آید که در مواردی پیامبر از طریق شنیدن کلام لفظی به حقیقت و حیاتی منتقل شده است. چنان که درباره حضرت موسی علیه السلام خداوند با کلام لفظی او را مخاطب قرار داد و فرمود «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ»، موسی علیه السلام این ندا را از نقطه و جهت خاصی شنید که در آیه (۹) سوره قصص و آیات دیگر بیان شده است.

گزارشگر: حسن کفلو

علل پیشرفت علوم در جهان اسلام

مهدی محقق

اطلاعات: ش ۲۴۵۸۸، ۱۳۸۸/۷/۱۸

آقای محقق در این مقاله به علل پیشرفت علوم در جهان اسلام توسط مسلمانان اشاره دارند و معتقدند که سر پیشرفت مسلمانان در همه زمینه‌های علوم و صناعات در نخستین کار، الگو گرفته از این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمودند: «اطلبوا العلم ولو بالصدقة» و دومین امر دخیل در این امر حدیث امام علی علیه السلام است که آن -حضرت فرمود: «قیمه کل امری علمه یا قیمه کل امری مایحسنة». کوشش مسلمانان در فراگرفتن علم و دانش و سفرهای دور و دراز برای درک محضر استادان و مشایخ، مرتبط با همان فرمانی است که علم و دانش چنان از شرافت برخوردار است که برای تحصیل و به دست آوردن آن سزاوار است که همه گونه رنج و مشقت تحمل شود. مسلمانان با همان فرمان، آنچه از علوم و معارف بشری سودمند و مفید تشخیص می‌دادند، به عالم اسلام منتقل می‌کردند. آنان با ترجمه آثار یونانی و سریانی و پهلوی و سانسکریت، برگزیده علوم بشری زمان خود را در نظام اندیشه‌ای و علمی خود وارد کردند و محیطی را به وجود آوردند که ملاک و معیار برای ارزش‌گذاری انسان‌ها، علم بود.

مسلمانان هر چند به برخی از علوم برحسب موضوعات و یا غایات آنها اهمیت بیشتری قائل بودند، ولی هیچ علمی را خوار نمی‌داشتند. مؤلفان رسائل اخوان الصفا می‌گویند: ما با هیچ علمی دشمنی و یا [به] هیچ مذهبی تعصب نمی‌ورزیم و هیچ کتابی را که به وسیله حکیمان و فیلسوفان در فنون علم نوشته شده و با عقول آنان استنباط گردید، کنار نمی‌نهییم. از این جهت است که علوم مختلف در جهان اسلام به موازات هم پیشرفت کرد.

سر شکوفایی و تعالی فرهنگ در تمدن اسلامی این بود که فرهنگی جامع الاطراف و مختلف الابعاد بر مردم عرضه شد و آنان نهایت همت خود را در گسترش آن معطوف داشتند،

بازتاب اندیشه ۱۱۵

۷۴

گزارش‌ها